گذر

۱۳ مدیر دوشغله هلدینگ تاپیکو چه کسانی هستند؟

● فهرست اسامی اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های زیرمجموعه شستا از جمله تاپیکو که هفته قبل منتشر شد، از حضور ژن خوب و پیرمرد ۸۲ساله تا مدیران چندشغله و نماینده مجلس در رأس این شرکت‌ها حکایت دارد. به گزارش مهر، هفته گذشته بالاخره وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فهرست اسامی اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های زیرمجموعه شستا و صندوق بازنشستگی را منتشر کرد. بررسی فهرست اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های زیرمجموعه این هلدینگ نشان می‌دهد محمود مخدومی، مدیرعامل این هلدینگ، برای معاونان و مدیران خود در هلدینگ تاپیکو یک پست هم در شرکت‌های زیرمجموعه این هلدینگ در نظر گرفته است. بر این اساس ۱۳ نفر از مدیران این هلدینگ در شرکت‌های زیرمجموعه نیز سِمت دارند. این هلدینگ قرار بود ناظر بر شرکت‌های زیرمجموعه باشد، ولی اکنون مشخص نیست مدیران هلدینگ تاپیکو که خود عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های زیرمجموعه هستند، آیا به وظایف نظارتی خود در هلدینگ تاپیکو پایبند هستند یا به منافع شرکت‌ها. این تعارض منافع چگونه قرار است مدیریت شود؟ مدیران هلدینگ تاپیکو با پاداش‌هایی که این شرکت‌ها دریافت می‌کنند، می‌توانند با تخلفات این شرکت‌ها برخورد کنند؟

مدیران دوشغله تاپیکو چه کسانی هستند؟

۱-فرشاد اسفندیاری: در دولت‌های نهم و دهم، معاون طرح و برنامه‌ریزی زامیاد بود و نامه‌اش به خودش چندی پیش سوژه رسانه‌ها شده بود؛ او با سه شغل پرچم‌دار این مدیران است. وی درحال‌حاضر معاون نظارت بر هلدینگ‌های تاپیکو، سرپرست پتروشیمی فن‌آوران و عضو هیئت‌مدیره شرکت پتروشیمی بدر شرق است. در فهرست منتشرشده از سوی وزارت تعاون، اسامی دیگری مانند امیرسامان اسفندیاری و هادی اسفندیاری در شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ تاپیکو به چشم می‌خورد که گفته می‌شود فرزندان یا خویشاوندان فرشاد اسفندیاری هستند.

۲- رضا توکلی‌بنیزی: مدیر امور مجامع و مالکیت سهام تاپیکو است. او تیر سال جاری به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های نفت ستاره خلیج فارس و سرمایه‌گذاری ساختمان ایران منصوب شده است.

۳- سیدنوراله میراشرفی: سمت بازرس ارشد مدیرعامل تاپیکو را با خود یدک می‌کشد، ۱۹ فروردین سال جاری مدیرعامل و نایب‌رئیس هیئت‌مدیره توسعه نفت و گاز آریا شد.

۴- محمدرضا پاشایی: معاون مالی و تأمین منابع هلدینگ تاپیکو درحال‌حاضر عضو هیئت‌مدیره دو شرکت دیگر است، او عضو هیئت‌مدیره پتروشیمی نوری و شرکت افق تأمین انرژی توس است؛ اولی زیرمجموعه هلدینگ تاپیکو و دومی زیرمجموعه صندوق بازنشستگی است.

۵- علیرضا بنی‌اسدی: دیگر مدیر حاضر در هلدینگ تاپیکو، متولد ۶۷ است، فروردین سال جاری هم‌زمان با سمت خود در تاپیکو رئیس هیئت‌مدیره شرکت توسعه نفت و گاز آریا شد.

۶- امیرمهدی صبائی: متولد سال ۱۳۶۶، درحال‌حاضر مدیر امور بورس و نظارت بر پرتفوی این هلدینگ است، او هم‌زمان عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های بورس کالای ایران و پتروشیمی تبریز است که هر دو از زیرمجموعه‌های تاپیکو است.

۷- محمدعلی موسوی: مدیر حراست هلدینگ تاپیکو هم دوشغله است. او درحال‌حاضر رئیس حراست پتروشیمی آبادان هم هست. او مدیری پروازی است و معلوم نیست چگونه از تهران یک پتروشیمی در آبادان را اداره می‌کند و حضور یک روز در هفته او در این شرکت پتروشیمی چگونه توجیه‌پذیر است. آتش‌سوزی در پتروشیمی آبادان چندی پیش سه کشته و ۱۸ زخمی بر جای گذاشت.

۸- علیرضا نادرپور: ۳۱ ساله، مدیر نظارت بر تولید، عملیات و مهندسی شرکت‌های پالایشگاهی و پتروشیمی هلدینگ تاپیکو است. او هم‌زمان عضو هیئت‌مدیره شرکت پالایش نفت آناهیتا نیز هست.

۹- حامد مسینه‌اصل: مدیر نظارت بر عملکرد طرح‌ها و پروژه‌های هلدینگ تاپیکو، مهر ماه سال جاری هم‌زمان با پست خود در تاپیکو نایب‌رئیس هیئت‌مدیره پتروشیمی مرجان شد.

۱۰- افشین فتح‌اللهی: معاون برنامه‌ریزی و توسعه این هلدینگ، هم‌زمان عضو هیئت‌مدیره پتروشیمی مروارید است.

۱۱- عبدالله اسدزاده: مدیر سرمایه‌گذاری و توسعه تاپیکو شهریور سال جاری هم‌زمان عضو هیئت‌مدیره گروه صنعت سلولزی تأمین ستر نوین شده است.

۱۲- پیمان عاشوری‌بندری: مدیر امور حقوقی و قراردادهای تاپیکو که نامش با تحصن و استعفا در مجلس ششم بر سر زبان‌ها افتاد و در انتخابات بعدی ردصلاحیت شد، شهریور سال جاری هم‌زمان به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره گروه صنعت سلولزی تأمین گستر نوین منصوب شد.

۱۳- حمید دیانت‌پی: مدیر مالی هلدینگ تاپیکو، هم‌زمان عضو هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان ایران است.

باید منتظر ماند و دید که آیا محمد شریعتمداری که در وزارت صنعت نتوانست برخورد قاطعی با فساد در حوزه واردات خودرو انجام دهد، در صندلی جدید و در قامت وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند با این تخلفات برخورد کند یا خیر.

حکم قلع‌وقمع اراضی جنگلی زاگرس صادر شد

جنگل‌ها زیر تیغ ابلاغیه آقای وزیر

لیلا مرگن

وقتی ریش و قیچی دست یک وزارتخانه باشد و ناظر و مجری از یک جنس دور یک میز جمع شوند، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به‌عنوان زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی، مالکیت ۸۵ درصد عرصه‌های طبیعی کشور را بر عهده دارد. از سوی دیگر، وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان وزارتخانه متولی تولید، باید هر سال گزارش عملکرد افزایش تولید خود را ارائه کند. در چنین شرایطی، طبیعی است که وزیر جهاد کشاورزی، کفه ترازوی تصمیمش را به نفع بخش تولید خم کند. بر اساس بخش‌نامه جدید وزیر جهاد کشاورزی و دستور او به رؤسای سازمان جنگل‌ها و امور اراضی کشور به‌عنوان دو مجموعه‌ای که مسئولیت حفظ اراضی ملی و تقسیم زمین برای کشاورزی را بر عهده دارند، قرار است برای اراضی شخم‌خورده در زیر آشکوب جنگل‌های زاگرس با حفظ کاربری جنگلی، سند کشاورزی صادر شود؛ تصمیمی که جمع نقیضین است و کارشناسان آشنا به قانون را حیران کرده. هیچ‌کس نمی‌داند چگونه می‌توان هم به ملی‌بودن یک زمین اعتقاد داشت و هم مستثنابودن آن را پذیرفت. آن‌طور که کارشناسان مختلف اعلام می‌کنند، بخش‌نامه وزیر جهاد کشاورزی راه را برای تبدیل‌کردن بی‌سروصدای جنگل‌های زاگرس به زمین‌های کشاورزی هموار می‌کند.

بر اساس ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید، وزارت جهاد کشاورزی برای رفع تداخل اراضی ملی و مستثناها باید کارگروهی تشکیل می‌داد تا مشکل مربوط به این تداخلات را حل کند. آن‌طور که منابع مطلع می‌گویند، این کارگروه در وزارت جهاد کشاورزی و استان‌ها تشکیل شده است. اعضای این کارگروه شامل نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان ثبت اسناد، نمایندگان سازمان‌های امور اراضی، جنگل‌ها و مراتع و مدیرکل حقوقی وزارت جهاد کشاورزی و اعضای متناظر آن در استان‌ها هستند. این کارگروه در تابستان گذشته تصمیم گرفت از این پس وزارت جهاد کشاورزی اراضی زیر آشکوب جنگل‌های زاگرس را که تعریف جنگل دارند، اما شخم خورده و در آنها کشت‌وکار انجام می‌شود، و قانون اصلاحات ارضی را که در این اراضی اعمال شده است، به رسمیت بشناسد و برای آنها سند کشاورزی صادر کند. با این تصمیم که از سوی وزیر جهاد کشاورزی نیز ابلاغ شده است، اراضی هم ملی می‌شوند و هم مستثنا خواهند بود. بر اساس دستور وزیر جهاد کشاورزی، سازمان جنگل‌ها با همکاری امور اراضی باید دستورالعملی تهیه کرده و به وضعیت این زمین‌ها سامان دهند.

ایجاد معابر جدید برای قانون‌شکنان

در دهه ۷۰ وزارتخانه متولی تولید با خرج‌کردن از کیسه منابع طبیعی، طرح شکست‌خورده طوبی را اجرا کرد که نه‌تنها کشور را در زمینه دانه‌های روغنی خودکفا نکرد، بلکه انبوهی از مشکلات حقوقی را به کشور تحمیل و منابع پایه شامل آب و خاک را دچار مشکلاتی عدیده کرد. حالا یک بار دیگر وزارت جهاد کشاورزی برای زخمی که به دلیل کمبود نیرو و تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضائی بر پیکره منابع طبیعی باقی مانده، نسخه‌ای پیچیده است که منابع بدحال پایه کشور را به مرز مرگ خواهد کشاند. تصمیم اخیر وزیر جهاد کشاورزی بدون شک اقدامی در راستای توسعه سطح زیر کشت اراضی کشاورزی است. هادی کیادلیری، عضو هیئت‌علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه علوم و تحقیقات، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه برای تشخیص اراضی ملی از مستثناها قانون‌های قبلی وجود داشته و دیگر نیاز به وضع قوانین جدید نیست، دستورالعمل‌های جدید برای تعیین‌تکلیف اراضی کشاورزی زیر آشکوب جنگل‌های زاگرس را معبری برای افراد سودجو معرفی می‌کند.

او می‌گوید: با صدور دستورالعمل جدید درباره این اراضی، زخم‌های قبلی باز می‌شود و بسیاری از پرونده‌هایی که مختومه شده بود، دوباره فرصت مطرح‌شدن پیدا می‌کنند.

به گفته کیادلیری اگر تداخلی بین اراضی ملی و نسق زراعی مردم وجود داشته باشد، مربوط به سال ۴۱ است که باید حل شود اما بسیاری از زمین‌های زاگرس بعد از سال ۴۱ و به دلیل رشد روزافزون جمعیت شخم خورده است.

او اضافه می‌کند: درحال‌حاضر یک میلیون هکتار از زیرآشکوب جنگل‌های زاگرس درگیر مشکلات ناشی از کشت و کار است. اگر دستورالعمل جدیدی در این حوزه صادر شود، زمینه لازم برای بازشدن پرونده‌های مختومه قبلی افراد سودجو فراهم می‌شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و تحقیقات بیان می‌کند: وقتی دستورالعمل دیگری مطرح می‌شود، حتما نیت دیگری پشت آن است زیرا برای مشکل قبلی قانون وجود داشت.

او تأکید می‌کند: با توجه به مأموریت وزارت جهاد کشاورزی که تأمین غذای جامعه است و اصرار بر واردکردن افراد غیرمتخصص به سازمان جنگل‌ها، این شبهه در ذهن کارشناسان ایجاد می‌شود که تصمیم اخیر وزیر جهاد کشاورزی برای حل مسائل اجتماعی است.

جهاد به دنبال حل کوتاه‌مدت مشکلات اجتماعی

به اعتقاد کیادلیری تصمیمات وزارت جهاد کشاورزی همواره برخلاف حفظ منابع طبیعی بوده و این وزارتخانه به دنبال اشتغال‌زایی بیشتر و حل مشکلات اجتماعی در کوتاه‌مدت به همراه افزایش تولید است. او ادامه می‌دهد: وزارت جهاد کشاورزی بدون اینکه مشکل تداخل نسق زراعی را حل کند، به دنبال توسعه کشت روی اراضی شیب‌دار است و اصولا هر قانونی که وضع می‌کند، در همین راستاست.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و تحقیقات تأکید می‌کند: باید حق مردم به آنها بازگردانده شود اما مسلما سطح این تداخلات به حدی زیاد نیست که نیاز به قانون جدید داشته باشد و به صورت موردی هم این مشکلات را می‌توان حل کرد.

او اضافه می‌کند: وزارت جهاد کشاورزی قادر به تعریف معیشت جایگزین برای مردم نیست برای همین از جیب طبیعت خرج می‌کند. اما این راهکار هم حال اقتصادی مردم را بهبود نمی‌دهد زیرا کشت گندم دیم در هر هکتار اراضی زیرآشکوب جنگل‌های زاگرس در سال ۹۶، ۷۰۰ هزار تومان برای کشاورزان درآمد ایجاد می‌کرد که رقم ناچیزی است.

نسق زراعی در جنگل امکان‌پذیر نیست

آن‌طور که از دستورالعمل‌های قبلی درباره تعیین تکلیف اراضی شخم‌خورده در زیرآشکوب جنگل‌های زاگرس برمی‌آید، تعریف مالک به حدی گسترده است که با تشخیص سازمان امور اراضی، می‌توان بسیاری از نسق‌های زراعی را به رسمیت شناخت. در دستور وزیر جهاد کشاورزی هم تأکید شده که راهکاری برای به‌رسمیت‌شناختن نسق‌های زراعی پیدا شود. اما غلامعلی فروغی حقوق‌دان منابع طبیعی در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند: به‌رسمیت‌شناختن نسق زراعی و اراضی ملی با هم امکان‌پذیر نیست. اگر جایی قبل از تصویب قانون ملی‌شدن جنگل‌ها، باغ و مزرعه بوده، طبق قانون باید مستثنا از ملی‌شدن می‌شد. نمی‌توان یک منطقه هم‌زمان هم جنگل باشد و هم ملی اعلام شود. او می‌گوید: زمین‌هایی که مشمول تداخلات شده‌اند، بسیار محدود هستند. براساس ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری نیز اصل باید بر حفظ اراضی ملی باشد. به همین دلیل به‌رسمیت‌شناختن نسق زراعی در جنگل امکان‌پذیر نیست. اگر اراضی جنگلی بعد از سال ۴۱ به تصرف درآمده باشد، قانون‌گذار آن را به رسمیت نشناخته است و کسی نمی‌تواند قانون جدید برای آن وضع کند. او تأکید می‌کند: اگر دستورالعمل جدیدی که به دستور وزیر در دست تدوین است، به این منظور باشد که هر مرجعی اشتباه کرده با هدف حفظ منابع طبیعی اشتباه خود را اصلاح کند، قابل قبول است اما تکلیف نسق زراعی در سال ۴۰ معلوم شده است.

نبود آمار از میزان تداخلات

منابع مطلع می‌گویند از نظر سازمان امور اراضی سطوح وسیعی از جنگل‌های زاگرس مشمول بخش‌نامه اخیر وزیر جهاد کشاورزی می‌شوند و باید نسبت به رفع تداخل آنها اقدام کرد. اما حسین امیرحیدری معاون توسعه و ساماندهی اراضی سازمان امور اراضی کشور در گفت‌وگو با «شرق» عنوان می‌کند: هنوز آماری از میزان تداخلات نداریم و باید با ورود به عرصه و بررسی پلاک‌های مختلف، سطح تداخلات را مشخص کنیم.

او در واکنش به اظهارات کارشناسان درباره وجود اشکال در به‌رسمیت‌شناختن توأمان ملی‌بودن زمین و نسق زراعی، می‌گوید: در اراضی ملی مالکیت متعلق به دولت است؛ اما براساس قانون ماده سه، حق بهره‌برداری از عرصه‌های ملی را می‌توان به اشخاص اجاره داد. نسق زراعی در اینجا حکم اجاره را دارد.

در حالی این مسئله از سوی حیدری مطرح می‌شود که براساس تصمیم کارگروه تشکیل‌شده برای رفع تداخلات باید سند مالکیت اراضی شخم‌خورده زیرآشکوب جنگل‌های زاگرس به رسمیت شناخته شود و این مسئله با اجاره‌دادن زیرآشکوب جنگل کاملا متفاوت است.

به اعتقاد حیدری بخش‌نامه وزیر جهاد کشاورزی به این نکته تأکید می‌کند که اگر در حوزه زاگرس به عرصه‌ای برخوردید که درخت هست و براساس منابع طبیعی تعریف جنگل را شامل می‌شود، سازمان امور اراضی باید آن را به‌عنوان اراضی ملی بشناسد؛ اما حقوقی را که سال‌های متمادی مردم داشتند و کشت و زرع می‌کردند، در کنار همین جنگل و درختان، به رسمیت بشناسد و برای اینکه این فعالیت‌ها نظام‌مند باشد، برای تدوین برنامه استفاده و بهره‌برداری از این اراضی، دستورالعمل فنی و مشترکی بین سازمان جنگل‌ها و امور اراضی تنظیم شود. او اشکالی در این تصمیم کارگروه ملی رفع تداخل نمی‌بیند.

صدور سند تغییر کاربری جنگل

اگرچه متولیان سازمان امور اراضی فکر می‌کنند که اگر در زیرآشکوب جنگل کشت و کار شود و صرفا درختان بلوط آن حفظ شود؛ یعنی جنگل حفظ شده است؛ اما رحیم ملک‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام، در گفت‌وگو با «شرق» عنوان می‌کند: زراعت زیرآشکوب جنگل، زمینه ازبین‌رفتن این اکوسیستم در ۲۰ سال آینده را فراهم می‌کند.

او می‌گوید: زراعت در زیرآشکوب بعد از مطرح‌شدن بحث خودکفایی گندم در محدوده سال ۸۰ توسعه پیدا کرد. این روزها صرفا زیرآشکوب جنگل در نزدیکی مراکز جمعیتی شخم نخورده است؛ بلکه حتی مناطق حفاظت‌شده و ارتفاعات خیلی بالا نظیر «بان کول» ایلام هم در زیرآشکوب جنگل شاهد شخم و شیار است. به گفته ملک‌نیا شخم زیرآشکوب جنگل فرسایش خاک را تشدید می‌کند؛ اما اگر این مسئله بدیهی را کنار بگذاریم، این رفتار پایداری جنگل‌های زاگرس را به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد.

او یادآور می‌شود: کشاورزی در زیرآشکوب جنگل اجازه زادآوری را از درختان بلوط می‌گیرد و در طولانی‌مدت زمینه حذف درختان از طبیعت را فراهم می‌کند. این عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان سخنان خود را با طرح این پرسش که «مگر می‌شود جنگل را که یک پدیده طبیعی است، به رسمیت بشناسیم و مزرعه را هم به‌عنوان یک فعالیت انسان‌ساخت در زیرآشکوب آن مجاز بدانیم؟»، ادامه می‌دهد.

او تأکید می‌کند: اگر برای اراضی شخم‌خورده زیرآشکوب جنگل‌های زاگرس سند صادر شود، متولیان حفظ عرصه‌های طبیعی به مشکل برمی‌خورند و کنترل این عرصه‌ها و مراقبت از قطع درختان برای آنها دشوار خواهد شد. ملک‌نیا درباره دلایل به‌خطرافتادن استمرار حیات در جنگل‌های زاگرس می‌گوید: هیچ کشاورزی زادآوری جنگل را در داخل زمین خود نمی‌پذیرد. شخم مداوم زمین سبب می‌شود هیچ نهال بلوطی در زمین مستقر نشود و حتی اگر درختان جست بزنند، بر اثر کشاورزی از بین می‌رود.

به گفته او زمین‌های کشاورزی در غرب کشور اغلب دیم‌زار هستند و محصول برداشت‌شده از این زمین‌ها از نظر اقتصادی ارزش چندانی ندارد؛ اما شخم زیرآشکوب از نظر کمی برای جنگل خطرناک است. این عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان سیل‌خیزشدن اراضی شخم‌خورده را یکی دیگر از تبعات به‌رسمیت‌شناختن کشت زیرآشکوب در جنگل‌های زاگرس معرفی می‌کند؛ اما از نگاه او، با این اقدام وزارت جهاد کشاورزی با حذف پوشش گیاهی طبیعی، کانون‌های ریزگردی در غرب کشور تولید می‌شود که برای ادامه حیات در این منطقه مشکل ایجاد خواهد کرد.

به گفته او کشاورزی در زیرآشکوب جنگل در زاگرس میانی خیلی رایج است و اگر راه فراری ایجاد شود، زمینه تبدیل جنگل به کشاورزی را فراهم کرده‌ایم.

در حالی وزارت جهاد کشاورزی به صورت چراغ خاموش به دنبال صدور مجوز تغییر کاربری اراضی جنگلی به نفع کشاورزی است که همه مدل‌های اقلیمی از کاهش بارش‌ها در غرب کشور در چند دهه آینده حکایت دارند. در چنین شرایطی عقل سلیم حکم می‌کند که با کاهش بارگذاری و توسعه کشاورزی، زمینه نفوذ آب به داخل سفره‌های زیرزمینی به منظور حفظ منافع نسل فعلی و آینده فراهم شود؛ اما گویا مسئولان وزارت جهاد کشاورزی اعتقادی به تحقیقات و یافته‌های تحقیقاتی ندارند که برای تأمین منافع گروهی کوچک از جامعه محلی، چنین نسخه‌هایی برای کشور می‌پیچند.

خبر

فعالیت‌های اقتصادی ستاد مشمول مالیات است

● سیدمصطفی سیدهاشمی، معاون هماهنگی‌های اقتصادی ستاد اجرائی فرمان حضرت امام، در حاشیه جلسه کمیته اشتغال خوزستان در پاسخ به سؤال خبرنگاران مبنی بر معافیت مالیاتی ستاد اجرائی فرمان امام گفت: همه فعالیت‌های اقتصادی ستاد مشمول پرداخت مالیات است و ستاد اجرائی به اذعان مکرر مسئولان سازمان مالیاتی از مؤدیان خوب و خوش‌حساب مالیاتی است و همیشه مالیات خود را در زمان مقرر پرداخت کرده است. سیدهاشمی افزود: همان‌گونه که مسئولان سازمان مالیاتی در اصلاح خبر نادرست منتشرشده بیان کردند، به استناد تبصره‌های ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم، همه فعالیت‌های اقتصادی بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی و همچنین وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها به هر نحوی، مشمول پرداخت مالیات بوده و معافیتی ندارند. براساس‌این ستاد اجرائی فرمان حضرت امام، مالیات عملکرد همه فعالیت‌های اقتصادی خود و همچنین همه مالیات‌های تکلیفی و ارزش افزوده را در سال‌های گذشته پرداخت کرده است. او در پایان افزود: این در حالی است که ستاد اجرائی فرمان حضرت امام نه‌تنها از یک ریال بودجه دولتی استفاده نمی‌کند بلکه تمام درآمدهای فعالیت‌های اقتصادی خود را صرف فعالیت‌های محرومیت‌زدایی و امور خیریه و عام‌المنفعه به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی می‌کند.

سهمیه‌بندی بنزین ۲ نرخی تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاد

● با وجود ادامه بررسی و تلاش برای رسیدن به اجماع کاربردی برای مباحث مربوط به نحوه مدیریت بهینه‌تر توزیع بنزین در کشور، بحث سهمیه‌بندی و چندنرخی‌شدن این فراورده نفتی تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاده است. به گزارش تسنیم، رشد بی‌رویه مصرف بنزین و همچنین رشد بی‌رویه قاچاق این فراورده استراتژیک نفتی پس از نوسانات ارزی و افزایش فاصله قیمت عرضه آن در داخل کشور و نرخ فروش بنزین در کشورهای همسایه، گزینه بازگشت کارت سوخت به سبد توزیع سوخت کشور و همچنین سهمیه‌بندی و چندنرخی‌شدن بنزین را روی میز دولت بازگرداند. این موضوع طبق اذعان وزیر نفت، چند هفته‌ای است که به‌صورت جدی در مجموعه دولت در حال بررسی است.